



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان با توفیق پروردگار متعال در سیاست داخلی و سیاست خارجی که یکی از ارکان حکومت اسلامی و نشان دهنده قدرت و عزت اسلامی است می باشد.

چند مطلب قابل ذکر است؛ مطلب اول اینکه یکی از مظاهر سیاست تمدن سازی است که با تاریخ مربوط می باشد، شکی نیست که اسلام در آغاز طلوع خود تمدن بسیار با شکوهی در دنیا ایجاد کرد این تمدنی که اسلام ایجاد کرد در شرایطی بود که در دنیای آن روز حتی یک کتابخانه وجود نداشت و کل دنیا غرق در ظلمت و جهالت بود اما اسلام توانست یک محیط علمی ایجاد کند و در آن محیط برای دعوت به علم و تحقیق کتابخانه های زیادی در قاهره و بغداد و نیشابور و دیگر بلاد اسلامی تاسیس کند و همچنین دانشمندان بزرگی مثل ابن سینا و فارابی و ابوریحان بیرونی و محمد زکریای رازی و امثالهم را تربیت کند درحالی که در کل اروپا و دنیا حتی یک دانشمند بنام و حوزه های علمی و مراکز تحقیقی وجود نداشت خلاصه اسلام تمدنی ایجاد کرد که یهود و نصاری در مقابل آن خاضع و خاشع شدند و دو قطب سیاسی آن موقع یعنی یهود و نصاری و ایران و روم در مقابل اسلام خاضع بودند و قدرت اسلامی بر تمام آنها توفیق داشت که خب این یک مطلب مهمی است که سیاست اسلامی به اندازه ای جامع و کامل و قدرت آفرین بوده که چند قرن وجود داشته و همین یکی از نشانه های سیاست اسلامی بوده که توانسته یک جامعه ای را به این شکل مدیریت و تدبیر و اداره کند خلاصه این بحث با تاریخ خیلی مربوط می باشد.

مطلب دوم اینکه باید توجه کنیم که فقهاء ما در نظرات فقهی تفاوت های فراوان دارند منتهی ما به همه آنها با دید احترام نگاه می کنیم و هیچوقت به خود اجازه نمی دهیم

یک کلمه ای بگوئیم که مطابق گرامیداشت آنها نباشد، گاهی مطالبی را از امام رضوان الله علیه نقل کرده ایم ولی باید توجه داشته باشیم که فقهاء ما در این قبیل مسائل (سیاست و حکومت اسلامی) تفاوت های فراوان دارند مثلاً رهبر معظم انقلاب دامت برکاته نوشته های فراوانی در این رابطه دارند چونکه توانسته سی و چند سال با توجه به همه بحران ها و دشمنی ها در متن جهان و زمان باشد، ایشان مطالب فراوانی را گفته و نوشته که بسیار موثر بوده لذا مطالعه نوشته های ایشان که چند جلد است مانند مطالعه نوشته های امام رضوان الله علیه برای ما خیلی لازم و مفید خواهد بود، ایشان در تفاوت فقهاء نکاتی دارند من جمله اینکه ما دو مرتبه به جنگ روس ها رفتیم که اولی به عهدنامه گلستان و دومی به عهدنامه ترکمنچای ختم شد این قضایا در زمان فتحعلی شاه قاجار رخ داده و زمان یک زمانی بوده که قاجار خودشان بسیار بی عرضه بودند و زیر سیطره غرب و شرق نیز واقع شده بودند، قسمت مهمی از ایران ما نیز در آن زمان از دست رفت، خلاصه اینکه ایشان می فرماید در آن زمان شیخ جعفر کبیر و میرزای قمی از مراجع و خیلی مهم بودند، شیخ جعفر کبیر فتحعلی شاه را نائب خودش کرد و فتحعلی شاه نیز خودش در جنگ شرکت نکرد بلکه پسرش عباس میرزا شرکت کرد و چون خیلی بی عرضه و ترسو بود نتوانست جنگ را اداره کند و در نتیجه ما شکست خوردیم اما میرزای قمی فتحعلی شاه را نائب خود قرار نداد که همین تفاوت بین میرزای قمی و شیخ جعفر را نشان می دهد خلاصه اینکه ما در این بجثمان باید به تفات نظر فقهاء توجه داشته باشیم.

نمونه ای از تفاوت های مذکور را از کلام صاحب جواهر نقل می کنیم، البته ایشان بسیار مختصر در مورد جهاد بحث کرده و کلاً فقهاء ما نیز همینطور بوده اند، در قواعد و شرایع که از کتابهای بسیار مهم هستند و ما باید خیلی با آنها مرتبط باشیم در مورد جهاد خیلی کم و مختصر بحث شده مثلاً برای جهاد فقط سه نوع ذکر کرده اند؛ اول

امام رضوان الله علیه در جلد ۱۹ صحیفه نور صفحه ۱۱۲ در این رابطه می فرمایند: بله عده ای برای اینکه به مردم روحیه بدهند شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" سر می دادند اما بعضی ها همان موقع ایراد گرفتند و گفتند این شعار در کجای قران است؟ اصلاً در قران چنین چیزی وجود ندارد، ایشان در جواب فرمودند بله عین این عبارت در قران نیست ولی بالاتر از آن هست، در دوجا ذکر شده: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً﴾<sup>۲</sup> و چه فتنه ای بالاتر از حمله مستکبرین به ایران؟ بله جنگ جنگ تا پیروزی نیست اما جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم هست، ما یک جزء کوچکی از عالم هستیم ولی تاچندی که در عالم فتنه وجود دارد ما می گوئیم جنگ جنگ تا رفع فتنه.

خلاصه اینکه بحث ما یک بحث مهمی در سیاست اسلامی می باشد و شما باید کتابهای مختلفی را در این زمینه مطالعه کنید من جمله قواعد و شرایع و شروح این کتابها و خصوصاً جواهر و امثال اینها از کتب فقهاء.

امام رضوان الله علیه پنج جلد تفسیر قران دارند ایشان در جلد ۳ تفسیرشان هفت هشت صفحه در تفسیر آیه شریفه: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾<sup>۳</sup> بحث کرده اند بعلاوه در فقه ما نیز قاعده نفی سلطنت ذکر و مورد بحث واقع شده است، علی ای حال ما با توجه به آیات قران باید در اقسام جهاد بحث کنیم و قدم به قدم جلو برویم إن شاء الله تعالی...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

جهاد با کفار برای دعوت به اسلام، دوم جهاد دفاعی در صورت حمله کفار و سوم جهاد با بغااة در صورت قیام آنها در برابر حکومت اسلامی، ولی امام رضوان الله علیه با توجه به آیات قران هشت نوع جهاد ذکر کرده است، علی ای حال صاحب جواهر در کتاب الجهاد اینطور می فرماید: «وکیف کان فلا إشکال فی أصل الحکم بعد الأمر به والحث الأکید علیه کتاباً وسنة، بل هو إن لم یکن من الضروریات فلا ریب فی کونه من القطعیات، نعم قد یمنع الوجوب، بل قد یقال بالحرمة لو أراد الکفار ملک بعض بلدان الاسلام أو جمعها فی هذه الأزمنة من حیث السلطنة مع إبقاء المسلمین علی إقامة شعار الاسلام وعدم تعرضهم فی أحكامهم بوجه من الوجوه، ضرورة عدم جواز التغریر بالنفس من دون إذن شرعی، بل الظاهر اندراجہ فی النواهی عن القتال فی زمن الغیبة مع الکفار فی غیر ما استثنی، إذ هو فی الحقیقة إعانة لدولة الباطل علی مثلها»<sup>۱</sup>.

این کلام صاحب جواهر است که در آن زمان اینطور قضاوت می کرده اما در مقابل ایشان امام رضوان الله علیه با توجه به آیات قران هشت نوع جهاد ذکر کرده من جمله قتال برای دفع فتنه و قتال برای اجراء عدالت و قتال برای از بین بردن ظلم و قتال برای نجات مستضعفین از دست مستکبرین و مطلب مهم همین است که در کتاب الجهاد به آیات قران توجه نشده با اینکه قران منبع اصلی احکام پروردگار می باشد، صاحب جواهر در اول کتاب الجهاد چند روایت در مورد جهاد ذکر کرده اما آیه ذکر نکرده و این خیلی عجیب است که چطور شده فقهاء ما در کتابهای فقهی خیلی سراغ آیات قران نمی روند!

بنده نوشته های فراوانی از امام رضوان الله علیه دارم من جمله اینکه در دفاع مقدس وقتی دشمن در جایی بمب می انداخت عده ای در محلی که بمب انداخته بودند جمع شدند و خیلی پر شور شعار می دادند "جنگ جنگ تا پیروزی"،

<sup>۲</sup> سوره بقره، آیه ۱۹۳.

<sup>۳</sup> سوره نساء، آیه ۱۴۱.

<sup>۱</sup> جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۱، ص ۴۷، کتاب الجهاد.